



عملیات قدرتمند و موفقیت آمیز گارد آزادی در

سنندج

واحد های بهاران و سپیدار گارد آزادی در میان مردم

حضور یافتند

در صفحات دیگر:

مصاحبه اکتبر با فرمانده واحد بهاران

ص ۴

مقابله با قدرت و ماشین سرکوب نظامی جمهوری اسلامی در کردستان

سلام زیجی
ص ۶

پیام های فاتح شیخ و عبدالله دارابی به واحد های بهاران و سپیدار گارد آزادی

ص ۳

روز جهانی کودک در سنندج، برخی از کارگران و چپا در زیر پرچم زرد

تورج اصلانی



ساعات پخش: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران. تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر، هات برد، کانال ۶

دو هفته یک بار منتشر می شود

اکتبر ۱۰

دور جدید

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۲۹ مهر ۱۳۸۷ - ۲۰ اکتبر ۲۰۰۸

سر دبیر: رضا دانش Rz.Danesh@gmail.com

www.oktoberr.org

زنده باد گارد آزادی

صالح سرداری

حضور رفقای گارد آزادی در مرکزی ترین نقاط شهر سنندج که با دقت و کاردانی فراوان اعضای این واحدها انجام گرفت با استقبال پرشور مردم کوچه و بازار تشنه آزادی روبرو شد. این حضور برعکس تبلیغات و آرزوی رژیم و مخالفین ما نشان داد که هر وقت بخواهیم و ضروری بدانیم می توانیم حضور خود را در خیابان ها و میادین شهرها و در نزدیکی و بغل گوش سرکوبگران رژیم به نمایش بگذاریم.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی شهرهای کردستان را به پادگانی نظامی تبدیل کرده است حضور نیروهای گارد نشانه قدرت حزب و جنبش ماست. نقطه قدرت این نیرو بر خلاف شیوه و روش های مبارزه نظامی سنتی خود در دل مردم و بخشی از نیروی همان کارگر و زحمتکشی است که روز بعد از اظهار وجود نظامی اش در عرصه های دیگر مبارزه شرکت می کند.

این نیرو ظرفی برای متشکل شدن جوانان و مبارزینی است که نمی خواهند سر به تن رژیم سرکوبگر باقی بماند. این ظرفی است برای مبارزه کردن با جریانات و دستجاتی که روزگار را به مردم شریف و مبارز آن جامعه تنگ کرده اند. این نیرو در هر جا که هست باید مردم احساس امنیت و آسایش بکنند.

این نیرو بنا بر طبیعتش موقعیت کار و زندگی اش خود بخشی از مردم تحت ستم و استثمار است که همین امروز در محلات و محل کار و زندگی از انسانیت آن جامعه از حقوق مردم محروم دفاع میکند و برای برابری حقوق زن و مرد می جنگد. نیروی همه کسانی است که نمی خواهند زیر بار ظلم و ستم روند. نیروی همه انسان های دردمندی است که میخواهد بر سر نوشت خود حاکم باشند.

برعکس نیروهای دیگر نیرویی بالای سر مردم نیست گارد آزادی نیرویی است که در مقابل هر نیرویی که خواهد با بند و بست و از بالای سر مردم برای مردم تعیین تکلیف کند می ایستد.

این ظرفی است برای متشکل شدن و مسلح شدن بر علیه جمهوری اسلامی که از همین امروز نطفه یک ارتش توده ای را پی ریزی می کند تا در فردای قیام همه دستگاهها و ارگان های سرکوبگر را درهم شکند. این نیرویی است که در فردای پیروزی کارگر و زحمتکش آن جامعه بازوی نظامی حکومت کارگری می باشد. گارد

ص ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

گارد آزادی در سنندج

شهرک نایسر شاهد حضور قدرتمند واحد بهاران بود
مرکز شهر سنندج شاهد عملیات واحد سپیدار بود

شهر سنندج برای دومین بار شاهد حضور مسلحانه گارد آزادی بود

* گارد آزادی به گانگسترهای اسلامی و عاملین مواد مخدر هشدار داد
* حضور رفقای گارد آزادی نیروهای رژیم را دچار سرگیجه و به مردم مبارز امید داد

امروز سه شنبه ۲۳ مهر ساعت پنج و نیم تا شش بعد از ظهر واحد سپیدار گارد آزادی در مناطق اطراف مسجد هاجره خاتون سنندج حضور یافت. هدف حضور رفقای واحد سپیدار، هشدار به گانگسترهای اسلامی بود که مدتهاست با تبلیغات و حضور خود فضای انسانیت و آزادیخواهی زنان و مردان و کودکان را آلوده کرده اند. حضور رفقای واحد سپیدار فضای کوچی های این محل را بسرعت عوض کرد. مردم محل به محض اطلاع از حضور رفقای گارد به گرمی از آنان استقبال کردند و شور و شغف کوچی های روبروی پارک فرح تا مسجد هاجره خاتون را فرا گرفته بود.

اطلاعیه گارد در میان مردم وسیعاً توزیع گردید، این اطلاعیه مردم را فراخوان میداد که از نیروهای مرتجع و دسته های مختلف مذهبی که رفقای واحد سپیدار آنها را گانگسترهای اسلامی نام نهاده اند، منزوی کنند و به آنها اجازه آلوده کردن بیشتر محیط کار و زندگی شان را ندهند. رفقای واحد به این دار و دسته ی مرتجع هشدار دادند که دست از اعمال ضد انسانی شان بردارند.

همچنین در این عملیات رفقای واحد سپیدار گارد به عاملین مواد مخدر که مورد نفرت عمیق مردم و جوانان هستند هشدار دادند.

رفقای واحد سپیدار بعد از انجام موفقیت آمیز ماموریت خود سالم از محل دور شدند.
کمیته کردستان حزب حکمتیست انجام این حضور رفقای واحد سپیدار را به فرمانده و اعضای این واحد تبریک می گوید.

۲۳ مهر ۱۳۸۷
۱۴ اکتبر ۲۰۰۸

کمیته کردستان حزب حکمتیست

حضور قدرتمند واحد بهاران گارد آزادی در شهرک نایسر سنندج

امروز ۱۷ مهر ۱۳۸۷ یک واحد از نیروهای مسلح گارد آزادی با جسارت و کاردانی تمام و در میان استقبال گرم و پرشور مردم در ساعت هفت و نیم تا ۸ شب در شهرک نایسر سنندج حضور یافتند.

رفقای گارد آزادی در جاده اصلی مستقر شده و کنترل جاده را بدست گرفتند. ده ها ماشین که از هر دو طرف جاده در حرکت بودند متوقف شده و بسیاری دیگر با مشاهده رفقای گارد توقف کرده و به دیدار آنها میرفتند.

مسئولین واحد به گفتگو با مردم پرداختند. مردم با اشتیاق به سخنان رفقای فرمانده گوش میدادند. شور و هیجان وصف ناپذیری سرنشینان ماشینها و مردم را فرا گرفته بود. تعدادی از مردم که اطلاعیه های گارد را دریافت کرده، باز هم به طرف آنها بر میگشتند و خواهان گفتگوی بیشتر بودند.

رفقای گارد در عین حال توانستند صد ها اطلاعیه حزب حکمتیست در باره ضرورت تشکیل واحد های گارد آزادی را به مردم بدهند و با آنها بر سر ضرورت مبارزه پیگیر و سازمانیافته بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری و سوسیالیسم حرف بزنند.

پایان بخش عملیات قدرتمند گارد آزادی در سنندج حضور رفقا به محله شیخ ره ش و قهوه خانه این محله بود که در آنجا نیز با مردم به گفتگو پرداختند.

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اطلاع از حضور رفقای گارد آزادی در محل جرات هیچگونه تحرکی نداشتند.

رفقای گارد آزادی بعد از اتمام عملیات به سلامت محل را ترک کردند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست انجام موفقیت آمیز این عملیات را به رفقا و فرمانده واحد بهاران تبریک میگوید.

زنده باد گارد آزادی
زنده باد آزادی برابر ی حکومت کارگری
کمیته کردستان حزب حکمتیست
۱۷ مهر ۱۳۸۷
۸ اکتبر ۲۰۰۸

به گارد آزادی بپیوندید! واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید!

پیام های فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست و عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی به واحد های بهاران و سپیدار در سنندج

فاتح شیخ

از طرف دفتر سیاسی حزب حکمتیست به تک تک شما رزمندگان گارد آزادی به خاطر حضور جسورانه و پی در پی در میان مردم آذیخواه سنندج صمیمانه خسته نباشید می گویم و دست شما و رفقای کمیته کردستان حزب حکمتیست را بخاطر کاردانی و دقت عمل در سازماندهی و اجرای این اقدام انقلابی به گرمی می فشارم.

حضور قدرتمند شما بعنوان سمبل و سخنگوی مبارزه رزمندگان مردم و متقابل شور و هیجان توده های تشنه آزادی در استقبال از اقدام انقلابی تان، یک بار دیگر نشان داد که گارد آزادی بازوی واقعی قدرت طبقه کارگر و توده های محروم در مبارزه دائم و تعطیل ناپذیر علیه استثمار و سرکوب، علیه ارتجاع و استبداد و خفقان، علیه گانگسترهای اسلامی و علیه مسببان تیره روزی جوانان است.

تمام تجربه تاریخی مبارزه طبقاتی اثبات این حقیقت است که طبقه کارگر و توده های محروم جامعه، بدون داشتن قدرت مسلحی که قادر به اعمال قدرت میلیتانت و انقلابی علیه کل ارتجاع و گندیدگی طبقات حاکم باشد، ناگزیر باید هر روز از نو بر سند بردگی و ناتوانی خود مهر بزنند. حضور شما بعنوان واحدهائی از بازوی مسلح حزب انقلابی تان حزب حکمتیست، بدون شک عزم و اراده کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان تشنه آزادی و برابری را برای برانداختن بساط کثیف سرمایه داری راسخ تر خواهد کرد. شجاعت و دقت عمل در سازماندهی و اجرای اقدام انقلابی تان بدون شک سرمشق و الهامبخش توده وسیع جوانان و مردم آذیخواه برای فعالیت در صفوف رزمندگان گارد آزادی خواهد شد. بار دیگر دستتان را میفشارم و برایتان موفقیت بیشتر و سلامتی و شادی آرزو میکنم

از طرف دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
فاتح شیخ

۱۵ اکتبر ۲۰۰۸

پیام عبدالله دارابی از فرماندهی گارد آزادی

در هفته گذشته روز های ۱۷ و ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۷، مردم آزادی خواه شهرک ناپس و محله شیخ ره ش و کوچه های روبروی پارک فرح تا مسجد هاجره خاتون شهر سنندج، شاهد حضور علنی و جسورانه دو واحد مسلح بهاران و سپیدار گارد آزادی بودند که با کاردانی و جسارت کم نظیر خود جاده اصلی ناپس را به کنترل خود در آورده، به گانگستر های اسلامی و عاملین مواد مخدر جمهوری اسلامی هشدار داده و در همین رابطه مردم را هم برای یک مقابله جدی و سازمانیافته علیه این جانیان فرا خوانده اند.

انجام این اقدامات انقلابی و رزمندگان شما در میان ده ها مقرر و قرارگاه مزدوران رژیم، از یک سو مورد استقبال گرم و پر شور مردم سنندج قرار گرفته و از سوی دیگر نیرو های سرکوبگر و آدمکش رژیم را نیز بیش از پیش بهراس انداخته است.

رفقای عزیز!

حضور مسلح و علنی شما در شهر سنندج، نشانگر بخشی از عزم و اراده سازمانیافته کارگران، زنان و جوانانی رزمندگان ای است که در هر شرایط سخت و دشوار حاکم بر جامعه، در برابر هر نوع یورش و قلدری رژیم قاطعانه می ایستند و به مقابله علیه آنها بر می خیزند. و در ادامه آن با مبارزه مستمر و سازمانیافته خود، روند سرنگونی رژیم را هم شتاب می بخشند.

تلاش پیگیرانه شما در راستای تسریع این امر مهم است که برای همه آذیخواهان و برابری طلبان در سراسر ایران قابل ارجح و احترام است. با توجه به آن فعالیت در این زمینه باید با شتاب هر چه بیشتر سازمان و گسترش یابد.

به همین خاطر، فرماندهی گارد آزادی دست توانای همه شما فرماندهان و رفقای عزیز واحد های بهاران و سپیدار گارد آزادی را بگرمی فشرده و به تک تک این عزیزان، پیام اوران آزادی و برابری و همه جوانان و مردم مبارز سنندج که در انجام این حرکات یار و همکار شما بودند درود میفرستیم.

زنده باد گارد آزادی

مرگ بر جمهوری اسلامی

و برآستی برای آن تلاش وسیعی از جانب کل نیروهای انقلابی و کمونیست و همه مردم آذیخواه و واحدهای گارد آزادی به حرکت بیفتد امکان خنثی کردن و تضعیف مهمترین قدرت جمهوری اسلامی، نیروی نظامی و سرکوب، آنرا به یک واقعیت عینی تبدیل خواهیم کرد. برای سرنگونی جمهوری اسلامی فقط فعالیت های سیاسی و اجتماعی و اعتراض و اعتصاب کافی نیست. بدون تلاش مستقیم برای تضعیف و خنثی کردن آن دستی که اعتصاب و اعتصاب را سرکوب میکند کار بسیار ناممکنی را کرده ایم. این جمهوری اسلامی است! قدرت نظامی جمهوری اسلامی را تنها از طرق انقلابی و توده ای که من به گوشه هایی از آن پرداختم امروز و در بطن مبارزات جاری میتوان تضعیف کرد. بدون چنین تلاشی کار ما کارگران و کمونیستها و جنبش آذیخواهی ده چندان سخت تر و پر هزینه تر خواهد شد.

s_zijji@yahoo.se

اسناد گارد آزادی را بدست بقیه سربازها و مراکز نظامی برسانند. تمام امکانات موجود پادگان و پایگاه و گردان و گرهان و... خود را برای ما به همراه اسامی فرماندهان و افراد شورور بفرستند. ما را از نقل و انتقالات مرکز خود و دیگر نیروهای رژیم باخبر کنند و تلاش کنند به اسناد و برنامه های محرمانه آنها دسترسی پیدا کنند و ما را در جریان آن بگذارند. پیشاپیش مردم شهر و روستا و مکانهای دیگر را از برنامه های سرکوب و دیگر اقدامات سرکوبگرانه ارتش و سپاه و... باخبر کنند. با ابتکارات مختلف در تسلیحات و تجهیزات و وسایل نقلیه نیروهای رژیم اخلاص به وجود بیاورند. و در هیچ جنگی بر علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین در هیچ نوع حرکت ضد مردمی و سرکوبگرانه شرکت نکنند و راه پرهیز از آن را جستجو کنند.

خلاصه: اگر همه ابعاد این بحث و کل این اقدامات را بعنوان یک هدف و حرکت به هم پیوسته در نظر بگیریم

خیلی از تغییر و تحولاتی که روی می دهند نیروهای نظامی حرف آخر را می زنند.

ما عاشق اسلحه نیستیم کاش می توانستیم همه اسلحه های دنیا را ذوب می کردیم و از آن پارک و اسباب بازی و راه آهن درست می کردیم اما صاحبان سرمایه و قدرت با خواهش و تمنا کنار نمی روند در نتیجه این مبارزه را نیز به طبقه کارگر تحمیل میکنند باید در این عرصه بیش از پیش آماده شد.

ادامه از صفحه ۶

مقابله با قدرت و ماشین سرکوب نظامی

تشکیل و تماس اولیه آنها با ما بطور ویژه با خود آن واحدها در جریان گذشته خواهد شد. اما چند کار مهم و عمومی میتواند در دستور هر واحدی قرار بگیرد و در این چهار چوب فعالیت خود را به پیش ببرند. از جمله: با ما تماس منظم داشته باشند. از راه های مختلف و مطمئن اهداف و

بقیه از صفحه ۱

زنده باد گارد آزادی

آزادی نیروی مختص به یک دوره نیست. صرفا برای این تشکیل نشده که در دوره ای از مدنیت جامعه دفاع کند که

این هم هست. فعالیت گارد آزادی عرصه ای از مبارزه است که کمونیست ها از همین امروز تا رسیدن به پیروزی ناچار به سازمان دادن آن می باشند.

این نیرو را باید تقویت کرد و گسترش داد. همه کسانی که حاضر نیستند بیش از این شاهد زور گویی و سرکوب رژیم اسلامی باشند. همه جوانانی که نمیخواهند پاسداران جهل و سرمایه آغا بالا سرشان باشند و.... باید به این نیرو بپیوندند. و در بسط و توسعه آن بکوشند. نیروها و جریانات ارتجاعی ارتش و تشکل های مسلح خود را دارند کارگران و زحمتکشان در این عرصه نباید اجازه بدهند متفرق بمانند.

جربه چند دهه گذشته در ایران و خاورمیانه نشان داده است متأسفانه در

فرمانده واحد بهاران گارد آزادی در گفتگو با اکتبر

گارد آزادی قابلیت توده ای شدن دارد

قبل از هر چیز تشکر بکنم از همه پیام هایی که به مناسبت عملیات ما به دستمان رسید. به حزب و به مردمی که هر لحظه با ما بودند درود میفرستم.

چرا ناپس را انتخاب کردیم؟ انتخاب آگاهانه بود. ناپس از شهرک های بسیار محروم در سنندج است. بخشی از طبقه محروم ما در آنجا زندگی میکنند. هزاران نفر در آنجا "ساکن" هستند. وصف زندگی آنها برای من بسیار مشکل است. بسیاری بیکار، درصد بسیار کمی از مردم امکانات رفاهی و حتی برق دارند و با هزار مشکل و تقبل بسیاری خطرات روشنائی شان را تامین میکنند. آلودگی محیط و مبتلا شدن بسیاری از جوانان به مواد مخدر و همه اینها فلاکتی است که رژیم سرکوبگر و رژیم سرمایه داران بر این بخش از مردم و طبقه کارگر و زحمتکش تحمیل کرده است. شهرک ناپس در ۱ کیلومتری شهر سنندج قرار دارد و توانستیم در این مدت حضور با آنها باشیم و از نزدیک اعتراضمان به این شرایط و وضعیت را با آنها شریک شویم. آنها تشنه آزادی و برابری و برخورداری از امکانات زندگی و کار هستند.

این شهرک در یک کیلومتری سنندج قرار گرفته است که در جاده اصلی همدان و تهران واقع است. روز چهارشنبه ۱۷ مهر ساعت هفت شب به میان مردم رفتیم. ترس کم و بیش ما را احاطه کرده بود اما هنگامی که به

جاده و محل مورد نظر که از قبل تعیین شده بود رسیدیم ترس جایش را به قدرت داد. قبل از اینکه وارد جاده شویم و اگر ۲۰ ثانیه زودتر میرفتیم با ماشین نظامیان که از آنجا رد شد درگیر میشدیم و در واقع این جز ماشینهایی میشد که باید آنها را متوقف میکردیم. از شانس ما یا آنها این رودرویی صورت نگرفت. خوشحال شدیم که چنین شد چون برنامه ما درگیر شدن با آنها نبود. نمیدانم واقعا آیا آنها متوجه ما شدند یا نه ولی آنها به سرعت از آنجا دور شدند. ما فوراً جاده اصلی شهرک را کنترل کردیم. ماشینها یکی بعد از دیگری متوقف میشدند. اولین ماشینها با دستپاچگی زیاد ترمز میکردند و متوقف میشدند و نمیدانستند که چه عکس العملی نشان بدهند و چند بار نزدیک بود ما را با ماشنهایشان بزنند. خود را معرفی میکردیم. گارد آزادی هستیم. گارد آزادی حزب حکمتیست. سرنشینان ماشینها با تعجب، ترس و همراه با ابراز خوشحالی ما را ورنه انداز میکردند. در مدت بیش از ده دقیقه حدود صد ماشین متوقف شد. دیگر ما ترس را کاملاً فراموش کرده بودیم. بچه ها آنچنان شور و شوقی داشتند که شعار زنده باد گارد آزادی و زنده باد حزب حکمتیست، زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری را مرتباً تکرار میکردند. با مردم حرف میزدیم و تشویق به مبارزه متشکل همراه با گارد میکردیم. اعلامیه از قبل آمده شده و با چاپ قشنگ و رنگی با آرم

ماه های گذشته بسیاری از واحد های مسلح به عناوین مختلف در دام نیروهای رژیم گرفتار شده بودند. بسیاری که در فعالیتهای مسلحانه به سبک سابق فعالیت دارند معمولاً در دام نیروهای رژیم و شبکه جاسوسان و ... آنها گرفتار میشدند. برتری ما این است که همه و یا بسیاری از این نیروها را میتوانم فلج کند و در برابر آن کارآیی نداشته باشد. آنها دنبال واحد های علنی میگردند و این واحد ها معمولاً در معرض دید بسیاری بوده اند تا به محل عملیات رسیده اند اما گارد اینگونه نیست و با تلاش بمراتب کمتری و با پرداخت کمترین هزینه حضورش را تامین کند. کاری که بسیاری از مردم میتوانند انجام بدهند. گارد آزادی بنا به قابلیت ها و سنتی که پی میگیرد قابلیت توده ای شدن دارد.

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

زنده باد هویت انسانی

نه مذهبی نه قومی

روز جهانی کودک در سنندج، برخی از کارگران و چپها در زیر پرچم زرد

تورج اصلانی

در گرد هم آبی روز کودک در خانه کرد که از سوی موسسه هه وراز و کانون دنیای شاد برای کودکان برگزار شد، اعلام شد که کارگران از کارخانه های مختلف و اتحادیه آزاد کارگران هم در این مراسم حضور داشته اند. شرکت بخشی از کارگران متشکل در این اتحادیه و کارگران این مراکز بدیهی است که آگاهانه و بر طبق نقشه این تشکل بوده است. لایه بسیاری از رفقای کارگر به این فکر کرده بودند که کجا دارند میروند و چرا؟ اگر اینطور است باید به سوالات دیگری هم پاسخ داشته باشند. این برای مبارزه و تشکل آنها بسیار مهم است.

در سنندج ۲ مراسم برگزار شد. مراسم ها هر دو با شکوه بودند. برگزار کنندگان از شرکت ۱۰۰۰ نفر به بالا در هر کدام از این تجمع ها خبر دادند. هر دو مستقل از همه تلاش های رژیم و مقامات امنیتی و ... صورت گرفت. هر دو تلاش داشتند از همه حق و حقوق کودک حرف بزنند و حداقل در قطعنامه ها آن را نمایندگی کنند. به همین دلیل به اراجیف مقامات رژیم و تهدید های همیشگی تن ندادند، هر چند تردید ها و دو دلی ها هم کم نبود اما خوشبختانه آمادگی و روحیه خوب برای دفاع از انسانیت در این شهر آنچنان قوی است که هر جمعی تلاش کنند و مقداری امیدوار و پیگیر باشند به نتایج خوبی میرسند.

جامعه به این تحرک ها و بسیار بیشتر به آن نیاز دارد، از هر طرف و گرایشی که باشد و سازمان داده شود مهم است. رژیم اسلامی و قوانینش باید مرتباً زیر ضرب و انتقاد مردم مبارز باشد. مردم شایسته زندگی انسانی و بدور از تحمل هر گونه قوانین بردگی و خفقان نگاه داشتن است، مردم و نسل جوان کارگران، زنان و کودکان شایسته بهترین رفاه و آسایش و امنیت و بدور از هر گونه دخالتگری حاکمان در زندگی خصوصی آنها هستند. هیچ چیز غیر از امیدواری به سازماندهی یک مبارزه متناسب با این اهداف نمی تواند جوابگو باشد. هیچ چیز غیر از مبارزه ای سوسیالیستی قادر به این نیست. جامعه راهی جز این انتخاب برای رسیدن به آرزوی های انسانی و آزاد و برابرش ندارد. اگر بتواند و قادر گردد این را باید سازمان دهد. اگر رهبران و پیشروانش قادر شوند و روشن بین شوند میتوانند این نیروی

عظیم را برای تغییر در زندگی ایجاد کنند. این ممکن است و باید برایش جنگید، به حزبی به همین اندازه روشن و آگاه به منفعت طبقه کارگر و کمونیسم باشد. خیلی وقتها باید در میان خودمان تغییر ایجاد کنیم تا روشن و با پرچم خود و نه پرچم جنبش های دیگر جنگ را ادامه دهیم. علیرغم همه تلاش ها و نتایج مثبت در سازماندهی و فضایی که در این روز ایجاد شد، ارزیابی و نگاهی که به روز کودک امسال و مراسم هایش در سنندج باید داشت از این زاویه هم باید باشد که مثلاً کارگران زیر کدام پرچم رژه رفتند. برای تشخیص دادن این موضوع، خودپرسی نباید کرد و با حذف شخصیت ها و تشکل ها و محل های این تجمع در تبلیغات نمیتوان این واقعیت را پنهان کرد. قبل از اینکه به سراغ قطعنامه و سخنرانی ها رفت باید تشکل ها و شخصیت های شناخته شده برای مردم را ملاک قرار داد و دید که مثلاً هر مراسمی برکتش به جیب کی رفته است.

ظاهراً این نوع کنکاش ها با بی میلی و یا زیر فرش کردن آنها روبرو میشود. ارزیابی از هر حرکت را اگر تشکل و جمع و محافلی که در آن شرکت میکنند و برایش تلاش میکنند انجام ندهند، مانند تیر در تاریکی در کردن است. در همه زمینه ها این لازم است. از اول مه تا ۸ مارس و روز کودک و از تجربه هر دوره فعالیت که بوسیله هر فعال و هر تشکل و جمعی صورت میگیرد.

چرا دو مراسم؟

این داستانی طولانی تر در این شهر است. ریشه آن به حضور و وجود گرایشات مختلف سیاسی بر میگردد. ریشه آن در برخورد ناسیونالیسم و کمونیسم به همه پدیده هاست، ریشه اش در برخورد نیروها و رهبران و پیشروان حرکت های مختلفی است که به هر کدام از این گرایشات اصلی مربوط بوده اند. این در همه مبارزات مردم، کارگران، جوانان و زنان دیده شده است. غلط نیست و این خود همواره به رشد جامعه سیاسیون و طرفداران احزاب و مهمتر اینکه برای حضور گسترده و روشن کمونیسم کمک کرده است و برای موجودیت و حضور هر چه شفاف و روشن تر کمونیسم حیاتی بوده است. همیشه کمونیستها با راه حل های انقلابی و انسانی امید و دورنمای درست تری را در برابر جامعه یا هر مبارزه ای گذاشته اند. مراسم های

امسال برای کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیست. باید برای این سوالات و سوالات مشابه جواب داشته باشیم و حداقل حکمتیست ها باید جواب خودشان را بدهند. تفاوت این دو مراسم در چه بود؟ چه نیروها و شخصیت هایی سازمانده این مراسم ها بودند و هر کدام چه اهدافی داشتند؟ مراسم ها به کدام معضلات شرکت کنندگان پاسخ دادند و این را چگونه میخوانند دنبال کنند؟ و ...

پاسخ به این سوالات شاید برای شرکت کنندگان در هر دو مراسم زیاد مطرح نباشد ولی برای سازماندهنده گان مهم است. با وجود اینکه هر دو مراسم تعداد زیادی را در بر گرفت، با وجود سخنرانی و قطعنامه های نسبتاً خوب و انسانی و رادیکال تفاوت در چه بود؟ امسال تفاوت در این بود که بخشی از تشکل های کارگری در این شهر که بخشی از کارگران را هم همراه دارند در یکی از این مراسم ها با اسم و رسم شرکت کردند. حرکتی ظاهراً جالب و جدید. امسال تفاوت در این بود که این بخش فعالین کارگری در یکی از مراسم ها شرکت کردند و یکی از آن مراسم ها را با حضورشان تقویت کردند. این شاید مهمترین نکته جدید در این موضوع است. مراسم روز جهانی کودک در "خانه تشکل ها" در سنندج امسال توانست نیروی کارگران و فعالین و رهبرانش را به خود جلب کند. این حتماً موفقیتی برای شخصیت ها و رهبرانی است که توانستند آنها را به خود جلب کنند. و تشکل انجمن دفاع از کودکان که سابقه ای روشن و پیگیر در دفاع از حقوق کودکان داشت، توانست این بخش از کارگران را به مراسم وصل کند یا درست تر گفته شود کارگران آنها را انتخاب نکردند که به مراسمشان بروند. مراسمی که به حق قطعنامه اش به کارگران نزدیک تر و سمپاتی اش به آنها بیشتر بود.

اما مستقل از نقاط قوت و ضعف هر کدام از این تشکل های سازمانده، مهم جلب این بخش از کارگران و تعدادی از رفقای چپ در کنار رهبران و شخصیت های گرایشات دیگر بود. شخصیت هایی که برای جنبش معینی تلاش میکنند، شناخته شده هستند. و ایراد ما در این هم نیست که نباید به هیچ فعالیت مشترکی تن داد و ... نه، مسأله و سوال در این است که چگونه اینها موفق شدند مثلاً تعدادی از چپ ها و کارگران را به این مراسم بکشاند؟ این سوال را باید شرکت

کنندگان جواب بدهند. کارگران و رهبران و مسئولین آنها باید جواب بدهند. باید جواب داد که چرا این تجمع را رفتید و چرا دیگری را نرفتید؟ چرا مانند اول ماه مه مثلاً نرفتید و مراسم "مستقل" خودتان را برگزار کنید و امنیتش هم بهتر بود و کسی هم شعار "تنند" نمیداد. اینها را در خلوت هم شده باید کارگران و شرکت کنندگان در این مراسم جواب بدهند. هیچ درجه سخنرانی و قطعنامه سرخ و رادیکال و آتشین نمیتواند این معضل را براحتی از شما دور کند که این مراسم را با شخصیت ها و رهبران شناخته شده اش مورد ارزیابی قرار میدهند، شاید برای شما این روشن نبوده منتهای کسی که در این شهر فعالیت داشته است و کمی از این سابقه را میدانند سالهای گذشته را در کوچه و خیابانهای این شهر مبارزه را سازمان داده است و یا حتی شرکت کننده ای ساده اما با گرایش روشن کارگری و رادیکال حضور داشته است میداند. این انتخاب بسیار آگاهانه تر از این حرفهاست و این خزیدن به زیر پرچم شخصیت های اسم و رسم دار تشکل هه وراز و کانون نویسندگان کرد، زیر لوای سرخ و تکرار این برای کارگران فاجعه است. در روز جهانی کودک هزاران نفر در سنندج خواهان یک زندگی بهتر برای کودکان شدند، قطعنامه دادند و سخنرانی کردند اما سوال این است که هر کدام از قطعنامه ها بوسیله کدام رهبران و شخصیت ها میخواند پرچم مبارزه شود؟ برخلاف آنچه ممکن است فکر شود این نه دارندگان قطعنامه های رادیکال است که موفق شدند شخصیت های و تشکل های مثلاً ناسیونالیست را به خود جلب کنند، بلکه این تشکل های نویسندگان کرد و شخصیت هایشان بودند که این لشکر را به خود جلب کردند و بخشی از این چپ و کارگران و تشکل هایشان را به زیر پرچمشان کشاندند. همین باید کافی باشد که یکبار برای همیشه رفقای کارگر و فعالین چپ را صمیمانه به ارزیابی درستی از کار و انتخابشان دور از هر گونه شعار دادنی برساند.

جنبش کمونیستی و کارگری و فعالین حکمتیست از این حرکت باید عکس بگیرند تا حقایقی که اتفاق افتاد را بتوانند به کارگران و هر تشکلی توضیح بدهند و انتخابشان را صمیمانه تصحیح کنند، باید آنها را متوجه پرچم زردی که زیر آن خزیدند کرد.

مقابله با قدرت و ماشین سرکوب نظامی جمهوری اسلامی در کردستان

سلام زیجی

گارد آزادی در کردستان (بخش سوم)

تلخیص از اکتبر

طبق آمارى که هست حداقل دویست هزار نفر نیروی نظامی و حرفه‌ای و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بطور مستمر در کردستان حضور دارند. تقریباً برای هر ده تا پانزده نفر یک نیروی حرفه‌ای مسلح و غیر مسلح دولتی اختصاص داده شده است. بخش عمده این نیرو نیز از راه سرکوب و فشار و عوامفریبی و سیاست تحمیل فقر و بیکاری گسترده و اختصاص پولهای کلان برای تامین هزینه دستگاه سرکوب و استخدام مزدور از مردم زحمتکش کردستان گردآوری کرده است. بنظر من میتوان این سیاستهای ضد انسانی، عوامفریبانه و نفس‌قلدری و قدرت نظامی که جمهوری اسلامی برای حفظ بقا خود به آن متکی است با شکست روبرو کرد. مردم میتواند در همه ایران و در اشکال مختلف وسیع اهداف و عملکرد و نفس وجود این همه نهاد سرکوب و مصرف کننده را زیر سوال ببرد. جامعه‌ای که این همه هزینه را برای ارتش و سپاه و بسیج و سازمانهای اطلاعاتی و ... پرداخت میکند و همزمان زیر فشار و سرکوب نظامی و پلیسی آنها قرار دارد نباید در سکوت زندگی کند. جامعه‌ای که با فقر کم‌رشدن روبرو میباشد چرا نباید در راس تمام مطالبات و مبارزات خود خواست توقف هزینه به نیروهای سرکوب و توقف فضای پلیسی قرار بگیرد. چرا نباید جامعه با صدای بلند از نیروهایی که به هر دلیلی به دام دستگاه سرکوب نظامی حکومت اسلامی افتاده اند بخواهد که این صف جنایت و آدمکشی را ترک کنند.

اقدامات عملی مردم و گارد آزادی در کردستان

در جامعه کردستان تمرکز امکان عملی کردن اقداماتی در جهت به هم ریختن صفوف و قدرت نظامی رژیم به مراتب بیشتر است. تحقق آن در گرو این است که به عنوان یک وظیفه و یک امر مهم در دستور مردم آزادیخواه و گارد آزادی قرار بگیرد. اولین اقدام ما باید این باشد که وسیعاً در مورد جایگاه و اهداف ضد انسانی و سرکوبگرانه نیروهای رژیم در سطح جامعه و در میان نیروهای رژیم دست به کار تبلیغی و

گرفت و نهایت تلاش را کرد. در برخورد به خود اینها از راههای مختلف باید به آنها اخطار کرد و زمان تعیین نمود برای کنارگیری و دست کشیدن از آزار مردم و کار مزدوری برای جمهوری اسلامی. لیست آنها را با دقت تهیه و برای ما ارسال کنند و در مشورت با ما همچنین میتوان آن اسامی را در محلات و مدارس و محل کار و پارکها و... پخش نمود و یک فضای عمومی تنفر مردم علیه آنها به وجود آورد. بنابراین این اقدامات و دادن چند اخطاریه به آنها چنانچه فرد مزبور همچنان به کار مزدوری خود ادامه دهد باید در محله‌ای که زندگی میکند در اشکال مختلف چنان فشاری به آن وارد کرد که ناچار به ترک محله شود و کوچ کند. در مواردی میتوان چنین افرادی را در یک موقعیت مناسب دستگیر کرد و به مناطق نامعلومی برد و حسابی تنبیه اش کرد.

ایجاد چنین فضایی برای نیروهای مزدور و حرفه‌ای رژیم، اعم از ارتشی، سپاهی، بسیجی و یا اطلاعاتی و انتظامی، و تلاش و اقداماتی که بدان اشاره شد به نظر من یکی از مهمترین کارهای هر انسان آزادیخواه و فعال سیاسی و اجتماعی و هر کسی است که قدرت و ماشین سرکوب نظامی رژیم را مسئله جدی بر سر راه مردم تلقی میکند. کار مهمی است اگر چنانچه در ابعاد بسیار وسیع در شهر و روستا و مراکز کار و تحصیل و محلات دست بکار شویم قادر خواهیم شد جمهوری اسلامی و قدرت قلدری نظامی اش را تضعیف و دچار وحشت کنیم. اما برای رسیدن به این هدف این هنوز تمام کار نیست. همزمان ضروری است در همین راستا از درون خود نیروهای جمهوری اسلامی و درمیان انسانهای شرافتمند از جمله در پادگانها و صفوف سربازها هزارها واحد گارد آزادی را درست کرد. کاری که هم اکنون تجربه و عملی شده است اما ناکافی و در گام نخست آن قرار داریم.

در صفوف ارتش، واحدهای گارد آزادی سازمان دهیم

سربازی رفتن بر عکس عضویت در سپاه پاسداران و یا بسیجی و اطلاعاتی شدن امری است اجباری و بجز فرزند سرمایه داران و افراد حکومتی اکثریت جوانان خانواده

های کارگری و زحمتکش را در بر میگردد. بجز پرسنل ویژه و کادری و فرماندهی، اکثریت آنها سربازان تشکیل میدهند که مانند سپاه و بسیج و اطلاعاتی موجب بگیر و مزدور نیستند. در سطح افکار عمومی نیز هرچند که بدرست ارتش نیروی حامی دولت سرکوبگر شناخته میشود اما نفس سرباز بودن و سربازی رفتن مانند یک سپاهی و بسیجی منفور و مزدور تلقی نمیشود. از این رو کار در میان سربازها و تماس گرفتن و تشویق آنها به خودداری کردن از شرکت در سرکوب مردم، سرپیچی از دستورات و اخلاق در کار نیروهای سرکوب و... امکانپذیر و ممکن تر است. هم به دلیل در خدمت گرفتن اجباری آنها و هم بدلیل شرایط سخت و نابرابر مالی و اینکه از احترام خاصی حتی در صفوف این ارگان سرکوب دولتی برخوردار نمیباشند معمولاً نیروی سرباز هیچ دلخوشی از حکومت ندارد. چنین موقعیتهای مینا و زمینه امکان اقدامات و شکل گیری سازمانهای انقلابی در میان نیروهای ارتش بوده و میباشد. در صفوف این مهمترین ارگان نظامی حامی دولت و سرمایه، بنا به دلایلی که اشاره شد، امکان سازمان دادن واحدهای گارد آزادی هست.

اگر در هر پادگان یا تیپ و گردانهای ارتش بتوان بر مینا اهداف و سیاست ناظر برگارد آزادی واحدهای زیادی ایجاد کنیم نه تنها امروز از درون نقش و قدرت سرکوب نظامی یکی از ارگانهای مهم جمهوری اسلامی را خنثی خواهیم کرد که در پس تحولات انقلابی فردا کل این نهاد سرکوب را به علیه خودش تبدیل خواهیم کرد و همراه جمهوری اسلامی نابود خواهد شد.

بردن ایده ایجاد واحدهای گارد به درون مراکز ارتش و نیروهای مسلح رژیم و تلاش برای مطلع شدن آنها از اهداف و وظایف گارد امری حیاتی است که هر خانواده و بستگان سربازان و هر انسان آزادیخواه و واحدهای گارد آزادی میتوانند فوری و وسیعاً به سر انجام برسانند. روشن است سازمان این واحدها نیز مانند همه واحدهای گارد در تیمهای سه تا پنج نفره خواهد بود که بطور منفصل و بدون ارتباط با هیچ کسی و کاملاً مخفیانه خواهد بود که تنها از طریق مسئول واحد خود، منتخب خود واحد با ما در تماس خواهند بود. آموزش و روشنتر کردن وظایف هر واحدی در پادگان و با پایگاهی که قرار گرفته اند